

بررسی دانش، نگرش و رفتارمالی در سوادمالی دانشجویان

علی هراتیان^۱

محمد پیری^{۲*}

چکیده

هدف: تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط دانشجویان در دوره دانشجویی تاثیر بسیاری بر وضعیت مالی آنها پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه دارد. همچنین موقعیت مالی دانشجویان در دانشگاه می‌تواند عملکرد دانشگاهی آنها را تحت تاثیر قرار داده و بر توانایی آنها برای تکمیل دوره دانشگاهی اثرگذار باشد. این پژوهش دربی بررسی دانش، نگرش و رفتارمالی در سوادمالی دانشجویان بود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه ملایر در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که تعداد ۴۱۵ نمونه از ایشان به روش طبقه‌بندی مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss در سطح معناداری ۰/۰۵ با استفاده از آزمون های همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک، یو من ویتنی و کروسکال والیس انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین دانش با نگرش مالی و نگرش با رفتارمالی همبستگی مثبتی برقرار بود و این ابعاد اثر مستقیمی بر سطح سوادمالی دانشجویان دارند و دراین میان رفتارمالی بیشترین سهم اثر گذاری را به خود اختصاص داد. همچنین اثرگذاری جنسیت به عنوان عامل تمایز در سطح سوادمالی و در ابعاد دانش و رفتارمالی دانشجویان تایید گردید ($P < 0.01$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بین دانش و نگرش و همچنین نگرش و رفتار همبستگی مثبتی وجود دارد اما بین دانش و رفتارمالی هیچگونه همبستگی و ارتباطی مشاهده نگردید. این نتایج بیان می‌کند که صرف کسب دانش مالی نمی‌تواند منجر به بهبود رفتارمالی دانشجویان گردد.

کلید واژه ها: دانش مالی، رفتارمالی، سوادمالی، نگرش مالی، دانشجویان

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

^۲ استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول). m.piri@malayeru.ac.ir

مقدمه

امروزه درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سوادمالی^۱ به سبب اینکه مصرف کننده را برای بقاء در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود توأم‌مند می‌سازد، ضروری شده است. در بحث ضرورت یادگیری سوادمالی برای دانشجویان؛ نتایج مطالعات انجام گرفته بیانگر آن است که دانشجویانی که حداقل مبلغی را برای پوشش هزینه‌های شهریه و خوابگاه و دیگر هزینه‌ها را از والدین خود دریافت می‌کنند نسبت به دانشجویانی که استقلال مالی دارند بیشتر دچار شکست شده یا در ترم های تحصیلی خود مشروط می‌شوند و در کل معدل کمتری دارند (معین‌الدین، یعقوب‌نژاد و نیکومرام، ۱۳۹۰). همچنین سه دلیل عمدۀ برای اهمیت سوادمالی دانشجویان وجود دارد، اول، تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط دانشجویان در دوره دانشجویی تاثیر باله‌میتی بر وضعیت مالی آنها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دارد، دوم، موقعیت مالی دانشجویان در دانشگاه می‌تواند عملکرد دانشگاهی آنها را تحت تأثیر قرار دهد و سوم، وضعیت مالی آنها بر توانایی آنها برای تکمیل دوره دانشگاهی اثر می‌گارد (رهاوی، ۱۳۹۳).

البته باید درنظر داشت سوادمالی یک ساختار چندبعدی است تا یک ساختار تک‌بعدی و تنها شامل دانش و آگاهی افراد نمی‌شود. دانش مالی^۲، نگرش مالی^۳ و رفتار مالی^۴ ابعاد هستند که تاکنون برای سوادمالی شناسایی گردیده‌اند. امروزه تعداد کمی از پژوهش‌ها چگونگی یادگیری مشتریان درباره مدیریت مالی و منابع اطلاعاتی که از آنها استفاده می‌کنند را بررسی می‌کنند. متأسفانه در ایران، تعلیم و تربیتی که سیستم آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها ارائه نموده و می‌نماید افراد را برای رویارویی با دنیا پس از اتمام تحصیل با آن رویارویی می‌شوند آماده نمی‌کند. مدارس و دانشگاه‌ها عموماً بر روی آموزش‌های تحصیلی و مهارت‌های تخصصی تکیه دارند و حتی فارغ‌التحصیلان یا دانشجویان رشته‌های مرتبط مانند مدیریت مالی و حسابداری نیز لزوماً شناخت کاملی از دانش تأمین مالی شخصی ندارند. افراد، نیازمند آموزش بیشتری هستند، یک آموزش کاملاً متفاوت (کیانوش و همکاران، ۱۳۹۳).

دانش مالی همانند بسیاری از علوم دیگر، بر پایه ای از تئوری‌ها و مدل‌ها قرار دارد. دانش مالی در ابتدای قرن بیستم به عنوان یک زیر شاخه از اقتصاد خرد مطرح گردید (می باوو، ۲۰۱۱). در تعریف می‌توان گفت دانش مالی، دانش پایه ای در مورد مفاهیم مالی و توانایی استفاده از مهارت‌های حسابداری درز مینه مالی است که تضمین می‌کند مصرف کنندگان می‌توانند به صورت خود مختار مدیریت امور مالی خود را انجام دهند و به اخبار و حوادثی که ممکن است پیامدهایی برای رفاه مالی آنها داشته باشند، واکنش نشان دهند (مهزان و تابیانی، ۲۰۱۳). دانش مناسب مالی به شدت با رفتارهای مالی مسئولانه مرتبط است (ذکریا، ماریکن و جعفر، ۲۰۱۲). به طوری که دانش ضعیف مالی درخصوص مسائلی مانند سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و هزینه، شایع ترین مشکلی است که مردم درز مینه مالی با آن مواجه هستند (چن و ولپه، ۲۰۰۵). دانش مالی می‌تواند به همه مصرف کنندگان در همه سنین و با هر سطح درآمدی کمک کند تا بتوانند هزینه‌ها و بدھی‌ها یشان را تحت کنترل نگه دارند. همچنین می‌تواند به خانواده‌ها در به دست آوردن نظم و انضباط برای صرفه جویی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کمک کند (بومان، ۲۰۱۰). مطالعات نشان می‌دهد دلیل این که خانواده‌ها و افراد نمی‌توانند مالیات خود را به طور موثری مدیریت نمایند، این است که آنها دانش مالی مناسب برای انجام این کار را ندارند (گادوین، ۱۹۹۴).

¹Financial Literacy

²Financial Knowledge

³Financial Attitude

⁴Financial Behavior

⁵Maobao

⁶Mahzan and Tabiani

⁷Zakaria, Marican and Jaafar

⁸Chen and Volpe

⁹Baumann

¹⁰Godwin

به هر حال دانش مالی جزء مهمی از سوادمالی افراد است که به آنها در مقایسه محصولات و خدمات مالی و تصمیم‌گیری‌های مناسب و آگاهانه مالی کمک می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که سطوح بالاتری از دانش مالی با نتایج مثبت، مانند مشارکت در بازار سهام و برنامه ریزی برای بازنیستگی، و نیز کاهش تایمین منفی مانند تجمع بدھی‌ها همراه است (Mahzan و Tabiani^۱، ۲۰۱۳). نگرش مالی را شاکی^۲ (۲۰۰۲) به عنوان ترکیبی از مفاهیم، اطلاعات و احساسات در ارتباط با فرآیند یادگیری و رسیدن به عمل مطلوب مالی تعریف نمود. در واقع نگرش‌های مالی به اعتقادات و ارزش‌های مربوط به مفاهیم مختلف مالی شخصی اشاره دارند، اعتقاداتی نظیر اینکه آیا صرفه جویی در پول مهم است؟ نگرش مالی، عاملی است که رفتار و حالت ذهنی فرد را در تصمیم‌گیری در حین معاملات، هدایت می‌کند. نگرش در ترکیب با دانش و رفتارهای مالی منجر به حصول نتایج مالی بهتر می‌گردد (Mour^۳، ۲۰۰۳). پاراتا و جانسون (۱۹۹۸) برای اولین بار هنگامی که اثرات دانش و نگرش مالی را بر مدیریت مالی آزمایش کردند. متوجه شدند که نگرش‌های مالی منفی اثر دانش مالی را از بین می‌برند. سبارنا بیر^۴ (۲۰۱۴) نیز بیان می‌کند که نگرش‌های مالی، و نه آگاهی مالی کارکنان تازه کار تحصیل کرده، بر شیوه‌های مدیریت مالی آنها اثر دارد. گودوین (۱۹۹۴) هنگامی که تأثیر نگرش مالی بر مدیریت مالی را با تنظیم نگرش به عنوان متغیر مستقل مورد آزمایش قرار داد، دریافت که نگرش مثبت نسبت به برنامه ریزی، بزرگترین پیش‌بینی کننده مدیریت جریان پول نقد جوانان است. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که رابطه‌ای منفی بین نگرش مالی شخصی و قرض گرفتن از طریق یک کارت اعتباری وجود دارد و افرادی که دارای نگرش مالی قوی هستند کمتر از کارت اعتباری استفاده می‌کنند.

Riftar واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی سر می‌زند. (ویکی پدیا داشنامه آزاد) اندیشمندان اصطلاح "RiftarMalí" را برای ارجاع به Riftarهای مثبت یا خواسته‌ای به کار می‌برند که توسط اقتصاددانان و مصرف‌کنندگان به عنوان راه‌های پیشرفت خوشبختی مالی پیشنهاد می‌شوند. نظریه‌های ارائه شده از سوی داشنامدان درخصوص Riftarهای مالی را می‌توان در دو دسته نظریه‌ی Riftarهای مالی هنجاری و نظریه‌ی Riftarهای مالی اثباتی تقسیم نمود. Riftarهای مالی هنجاری بیان می‌کنند که افراد معقول باید به شیوه‌ای معین عمل کنند. اما RiftarMalí اثباتی به آنچه که افراد واقعاً انجام می‌دهند، می‌پردازند (رهنمای روپیشته، ۱۳۸۹). Riftarهای مالی شامل فعالیت‌هایی در رابطه با پول نقد، مدیریت اعتباری و بدھی، پس انداز و سرمایه‌گذاری می‌باشد (جینی^۵ و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجا که خوشبختی مالی یک فرد می‌تواند فاعلی باشد (به گونه‌ای که از لحاظ درآمد، سرمایه‌گذاری‌ها و غیره اندازه گیری شود) یا معمولی (به گونه‌ای که از لحاظ رضایت مالی اندازه گیری شود)، این امر بر روی این استوار است که Riftarهای مثبت مالی می‌بایست خوشبختی مالی را در هر دو زمینه پیشرفت دهد. به زعم ژیاور و همکاران^۶ (۲۰۰۶) در میان یک نمونه از مصرف‌کنندگانی که از مشاورات اعتباری استفاده می‌کردند، Riftarهای مثبت مالی در رضایت مشاهده می‌شود. یک مطالعه درباره استفاده از کارت‌های اعتباری دانشجویان دانشگاهی نیز نشان داد که Riftarهای مثبت مالی اضطراب‌های مالی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، همچنان که توسط مادوکس و همکاران^۷ (۲۰۰۲) نشان داده شد، فعالیت‌های ارادی جهت کاهش اضطراب‌های مالی می‌تواند به کسب خوشبختی مالی بهینه کمک کند.

معین الدین و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از تکنیک دلفی فازی به ارائه الگوئی جهت سنجش سوادمالی دانشجویان ایرانی پرداخته‌اند. وی با استفاده از تکنیک دلفی فازی به کسب اجماع نظر خبرگان پرداخته شده و پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ سوال جهت سنجش سوادمالی دانشجویان ایرانی تدوین و به عنوان الگوی سنجش سوادمالی در سطح دانشگاه‌های کشور ارائه داد. نتایج

¹ Mahzan and Tabiani

² Shockley

³ Moore

⁴ Subarna Bir

⁵ Jeanne

⁶ Xiao

⁷ Maddox

پژوهش حاکی از آن بود که سوالات منتخب در بردارنده مفاهیم متنوعی از جمله ارزش زمانی پول، مالیات، سرمایه گذاری در سهام و اوراق مشارکت، تورم، بانکداری الکترونیک، طرق مختلف استقراض، بیمه و بازنیستگی و ... هستند.

ممثلى (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف نیاز سنجی برنامه درسی سوادمالی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی و براساس الگوی توافق محورنیاز سنجی در برنامه درسی انجام داد. که درواقع یک مطالعه نیازسنجی با بهره گیری از نظر کارشناسان از طریق پیمایش بود. یافته ها نشان داد سه موضوع مالیه شخصی، خدمات و تولیدات مالی، مسئولیت ها و حقوق مصرف کننده و اهداف مربوط به هر موضوع از نظر صاحب نظران به عنوان نیاز آموزشی برای دوره ابتدایی پذیرفته شدند. رضایی (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف مقایسه تفاوت سوادمالی دانشجویان دانشکده تربیتبدنی با دانشجویان سایر دانشکدههای دانشگاه مازندران انجام داد. وی برای جهت تجزیه و تحلیل دادهها از آزمونهای یو من ویتنی، کورسکال والیس و آنالیز واریانس دوطرفه استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد دانشجویان دانشکده تربیتبدنی بعد از دانشکدههای اقتصاد و الهیات در بین ده دانشکده، جایگاه سوم را داشتند. همچنین بین سوادمالی دانشجویان بر اساس مولفههای فردی (جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده محل تحصیل) تفاوت معنادار وجود دارد.

مودنی ریزی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان "بررسی سطح سوادمالی دانشجویان به روش معادلات ساختاری" به بررسی سطح سوادمالی و ابعاد آن (دانش، نگرش و رفتار) درخصوص موضوعات مالی از قبیل : پس انداز، سرمایه گذاری، بودجه بندی و مدیریت هزینه در میان ۳۰۸ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته های مدیریت مالی ، اقتصاد و حسابداری دانشگاه های دولتی، غیرانتفاعی، پیام نور و آزاد اصفهان پرداخت. وی درخصوص نگرش بیان می کند که نگرش مالی نقش بسزایی در سوادمالی دارد و ارتقای سطح دانش مالی می تواند منجر به شکل گیری نگرش مثبت مالی در دانشجویان گردد و نگرش مثبت مالی باعث رفتارمالی می شود. همچنین هیچ تفاوتی بین نوع نگرش مالی دانشجویان دانشگاه های دولتی، غیرانتفاعی، پیام نور و آزاد، تفاوت ندارد.

چن و ولپ^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی سطح سوادمالیه شخصی دانشجویان آمریکایی پرداخته‌اند. پژوهش حکایت از وجود رابطه بین سوادمالی و ویژگی‌های جمعیت شناختی (دموگرافیک) دانشجویان و همچنین تأثیر سوادمالی بر نظریه‌ها و تصمیم‌گیری‌های دانشجویان داشت. بنا به اظهار نظر نویسنده‌گان مقاله، نتایج نشان از نیاز به بهبود وضعیت مالیه شخصی دانشجویان داشت زیرا علیرغم اینکه سوالات پرسشنامه اغلب از مباحث پایه‌ای مطرح شده بود، متوسط امتیاز مالی دانشجویان در حدود ۵۳٪ بود. میانگین امتیاز دانشجویان در هیچ یک از حوزه‌های فرعی سوادمالی نظیر دانش عمومی، پسانداز و استقراض، بیمه و سرمایه‌گذاری بیش از ۶۵٪ نبود و ضعیفترین حوزه مورد بررسی سرمایه‌گذاری با میانگین امتیاز ۴۰٪ بود. دانشجویانی که در رشته‌های غیربازرگانی و در کلاس‌های پایین‌تر مشغول به تحصیل بودند، زنان، افراد کمتر از ۳۰ سال و دانشجویانی که تجربه کاری (سابقه اشتغال) کمتری داشتند، دارای امتیاز سوادمالی پایین‌تر نسبت به سایرین بودند. همچنین دانشجویانی که سوادمالی کمتری داشتند در اتخاذ تصمیمات خود در حوزه‌های دانش عمومی، پسانداز و استقراض و سرمایه‌گذاری بیشتر دچار اشتباه می کردند ولی در تصمیمات بیمه‌ای تفاوتی بین افراد مورد آزمون مشاهده نگردید.

اپلتالوا^۲ (۲۰۱۴) پژوهشی تحت عنوان آموزش و پرورش مالی و سوادمالی در نظام آموزش و پرورش جمهوری چک در بین دانش آموز دبیرستانی انجام داد و نتایج حاکی از این بود که به آموزش مالی در مدارس به اندازه کافی توجه نشده و باید سوادمالی در بین دروس دیگر گنجانده شود. پتربیچ^۳ و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان بررسی سوادمالی در جنوب بزرگی و مدلسازی برای زنان و مردان با استفاده از پرسشنامه و روش مدلسازی معادلات ساختاری^۴ با نرم افزار آموس^۵ انجام داند. سوادمالی از طریق سه عامل دانش مالی، نگرش مالی و رفتارمالی و با ۸ متغیر اقتصادی – اجتماعی و جمعتی شامل: سن، جنس، وضعیت تأهل، افراد تحت تکلف، نژاد،

¹ Chen and Volpe

² Opeltalova

³ Potrich

⁴ Structural Equation Model

⁵ Amos

پست، شغل و درآمد مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد رابطه معنادار بین سوادمایی و جنسیت وجود دارد و به طور کلی زنان سطح سوادمایی پایین تری از مردان را دارند و همچنین تجزیه و تحلیل سه مقیاس بین زنان و مردان نشان داد که نگرش مالی در هر دو زنان و مردان مناسب و مشابه است و رفتارمایی در سطح متوسط و دانش مالی در سطح پایین بود. یافته های سطح پایین دانش مالی منحصر به این مطالعه نبود بلکه در سال های اخیر بسیاری از مطالعات، نتایج نگران کننده از سطح پایین دانش برای سوالات مالی و مدیریت مالی شخصی و دیگر سوالات با زمینه هایی از قبیل وام، حساب اعتباری، سرمایه گذاری، پس انداز و... را داشته اند. لذا با توجه به اهمیت روز افزون سوادمایی در بازارهای مالی و مصرفی، زندگی و اشتغال و همچنین با توجه به اهمیت قشر دانشجو به عنوان یک گروه مصرف کننده بزرگ، فعالان اقتصادی آینده و آینده‌سازان اقتصادی کشور، پژوهش حاضر در جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف و بررسی فرصت‌ها و تهدیدات درخصوص سوادمایی دانشجویان و ابعاد آن جهت بهره برداری در نظام آموزشی و تحصیلی آنان می‌باشد و در نهایت اینکه سطح سواد مالی در دانشجویان به چه صورت است؟

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی- همبستگی از شاخه میدانی و از نوع مقطعی بود. جامعه آماری پژوهش مورد نظر دانشجویان دانشگاه ملایر در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که تعداد ۴۱۵ نمونه از افراد واحد شرایط داوطلب به روش در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها نیز از روش توزیع فرد به فرد استفاده شد که با توضیحات مختصر درباره ای هدف پژوهش برای افراد و آزاد بودن آنان در تکمیل و عدم تکمیل، پرسشنامه ها در اختیار شان قرار داده شد که پس از تکمیل دریافت گردید. پرسشنامه پژوهش حاوی سوالات بسته تنظیم گردید که شامل دو بخش مشخصات جمعیت شناختی و گویه های مربوط به پرسش های پژوهش بود. در پژوهش حاضر روایی^۱ صوری و محتوایی پرسشنامه ها با استفاده از نظرات اساتید خبره بررسی و تأیید گردید و پایایی^۲ پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ انجام گرفته است که مقدار آن ۰/۷۷۹ به دست آمد و از آنجا که این ضریب بیشتر از ۰/۷ بود؛ پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین تجزیه و تحلیل حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۱۶ و آزمون همبستگی اسپیرمن^۳ و رگرسیون لجستیک^۴، یو من ویتنی^۵ و کروسکال والیس^۶ انجام شد.

یافته های پژوهش

یافته های جمعیت شناختی نشان داد که ۱۸۴ نفر از افراد نمونه میانگین سنی ۴۴ درصد پسر و ۲۳۱ نفر از افراد میانگین سنی ۵۵ درصد دختر بودند. ۲۲۶ نفر از افراد میانگین سنی ۷۸ درصد کارشناسی و ۷۵ نفر میانگین سنی ۱۸ درصد کارشناسی ارشد و ۱۴ نفر میانگین سنی ۴ درصد دکتری بودند. جدول ۱ ارتباط بین دانش، نگرش و رفتارمایی دانشجویان را نشان می دهد یافته های این جدول بیان می کند که ارتباط بین دانش و نگرش مالی در سطح خطای $p < 0/05$ معنی دار بوده و همبستگی مثبتی بین این دو وجود دارد ($p < 0/05$) همچنین نگرش و رفتارمایی نیز در سطح خطای $p < 0/01$ معنی دار بوده و دارای همبستگی مثبتی می باشند ($p < 0/01$) اما بین دانش و رفتار در سطح خطای $p < 0/01$ همبستگی معنی دار وجود ندارد ($p \geq 0/01$).

¹ Validity

² Reliability

³ Spearman's rho

⁴ Logistic Regression

⁵ Mann-Whitney

⁶ Kruskal-Wallis

جدول ۱. آزمون همبستگی اسپیرمن

بعاد	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
دانش مالی با نگرش مالی	.۰/۰۲۴	.۱۱۱*
دانش مالی با رفتارمالی	.۰/۰۱۰	-۰/۱۲۷**
نگرش مالی با رفتارمالی	.۰/۰۰۲	.۰/۱۵۵**

در جدول ۲ مقدار برآورد شده دانش، نگرش و رفتارمالی را بر سطح سوادمالی در آزمون رگرسیون لجستیک نشان می دهد. آزمون معنی داری نشان می دهد که نمام ابعاد در سطح خطای $P < 0.05$ معنی دار هستند (P) که نشان از اثر گذاری آنان بر سطح سوادمالی دارد. آزمون والد نیز ترتیب اثر گذاری آنان را نشان می دهد که به ترتیب شدت اثرگذاری شامل: رفتار، نگرش و دانش می گردد. همچنین در ستون نسبت بخت ها می بینیم که مقدار همه ای آنها بیشتر از یک می باشد؛ این اعداد بیان می کنند که اثر تمام ابعاد بر سوادمالی مثبت بوده و افزایش دانش، نگرش و رفتارمالی منجر به بالا رفتن سطح سوادمالی می گردد. به استناد مطالب فوق می توان گفت که تمام متغیر های مستقل در کنار هم بر سطح سوادمالی اثر دارد.

جدول ۲. آزمون رگرسیون لجستیک

نام متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون والد	سطح معنی داری	نسبت بخت ها	نام متغیر
دانش مالی	۲/۳۰۰	.۰/۷۳۴	۹/۸۲۷	.۰/۰۰۲	۹/۹۷۶	
نگرش مالی	۴/۶۴۶	۱/۶۶۷	۷/۷۶۹	.۰/۰۰۵	۱۰۴/۲۰۱	
رفتارمالی	۲/۹۲۴	۱/۱۳۲	۶/۶۷۱	.۰/۰۱۰	۱۸/۶۱۴	

جدول (۳) نشان می دهد که آزمون خی دو برای تعیین سطح نگرش، رفتار و سوادمالی دانشجویان معنی دار ($P < 0.05$) است. همچنین با توجه به سطح ترتیبی داده ها می توان چنین برآورده کرد که اکثر دانشجویان از سطح سوادمالی مناسبی برخوردار هستند، همچنین نگرش مالی آنان خوب می باشد اما از نظر رفتارمالی سطح رفتارمالی بیشتر آنان مناسب نیست.

جدول ۳. آزمون خی دو

نام متغیر	سطح معنی داری	خوب	مناسب	متوسط	ضعیف	بد
سوادمالی	.۰/۰۰۰	۷	۲۸۹	۱۱۸	۱	.
نگرش مالی	.۰/۰۰۰	۲۱۹	۱۸۳	۱۱	۲	.
رفتارمالی	.۰/۰۰۰	۹	۷۷	۲۲۷	۹۵	۷

جدول ۴ نشان می دهد که آزمون خی دو برای تعیین دانش مالی دانشجویان معنی دار است ($p < 0.05$) و وضعیت دانش مالی دانشجویان مناسب می باشد.^۱

جدول ۴. آزمون خی دو

نام متغیر	سطح معنی داری	مناسب	نامناسب
دانش مالی	.۰/۰۰۰	۳۱۲	۱۰۳

جدول ۵ نتایج آزمون یومن ویتنی را برای سطح سوادمالی و ابعاد آن در میان دختران و پسران نشان می دهد. سطح معنی داری در این جدول نشان می دهد که به جز در بعد نگرش مالی در سایر ابعاد و همچنین سطح سوادمالی تفاوت معنی داری بین دختران و پسران وجود دارد و در این تفاوت پسران رتبه میانگین بالاتری نسبت به دختران کسب کرده اند.

^۱ دلیل جدا بودن جدول دانش مالی از سایر متغیر ها این است که دانش مالی به صورت اسمی و دو جهی ارزیابی و آزمون گردید.

جدول ۵. آزمون یومن ویتنی

نام متغیر	سطح معنی داری	رتبه میانگین پسران	رتبه میانگین دختران
سوادمالی	.۰۰۱	۲۲۵/۱۹	۱۹۴/۳۱
دانش مالی	.۰۰۰	۲۲۶/۸۰	۱۹۳/۰۳
نگرش مالی	.۰۸۸۳	۲۰۸/۸۵	۲۰۷/۳۲
رفتارمالي	.۰۰۲۵	۲۲۱/۳۷	۱۹۷/۳۵

جدول ۶ نتایج آزمون کروسکال والیس را برای سطح سوادمالی و ابعاد آن در میان سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نشان می دهد. سطح معنی داری در این جدول نشان می دهد ، تنها در بعد دانش مالی تفاوت معنی داری بین مقطع تحصیلی دانشجویان وجود دارد که با بالا رفتن مقطع تحصیلی رتبه میانگین دانش مالی دانشجویان نیز افزایش می یابد اما این افزایش نمی تواند تفاوت معنی داری در سطح سوادمالی دانشجویان ایجاد نماید.

جدول ۶ آزمون کروسکال والیس

نام متغیر	سطح معنی داری	رتبه میانگین کارشناسی ارشد	رتبه میانگین کارشناسی دکتری	رتبه میانگین دانش مالی
سوادمالی	.۰۱۱۷	۲۰۳/۶۶	۲۱۹/۱۱	۲۴۹/۴۶
دانش مالی	.۰۰۴۹	۲۰۲/۸۵	۲۲۲/۵۳	۲۴۴/۶۸
نگرش مالی	.۰۳۳۷	۲۰۴/۰۴	۲۲۳/۰۲	۲۱۹/۸۶
رفتارمالي	.۰۴۹۱	۲۰۸/۶۰	۱۹۹/۹۹	۲۳۷/۰۷

در زیر مدل به دست آمده بر اساس یافته های پژوهش آمده است که در آن می توان ارتباط و نحوه اثرگذاری متغیرها را مشاهده نمود.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که نتایج آزمون همبستگی در بخش یافته ها نشان داد بین دانش و نگرش و همچنین نگرش و رفتار همبستگی مثبتی وجود دارد اما بین دانش و رفتارمالي هیچگونه همبستگی و ارتباطی مشاهده نگردید. این نتایج بیان می کند که صرف کسب دانش مالی نمی تواند منجر به بهبود رفتارمالي دانشجویان گردد، بلکه ارتباط دانش با رفتارمالي با میانجی گری نگرش مالی صورت می پذیرد این نتایج با نتایج پژوهش موذنی ریزی (۱۳۹۴) که این سبک ارتباطی را بیان می کند همراستاست. همچنین یزدانی و همکاران (۱۳۹۶) در این خصوص بیان می کنند که دانش مالی دارای دو بعد ذهنی و عینی است و دانش مالی عینی بر دانش مالی ذهنی تاثیر مثبت و معناداری دارد اما بر رفتارمالي تاثیر مثبت و معناداری ندارد بلکه دانش مالی ذهنی به عنوان متغیر میانجی بر رفتارمالي تاثیر مثبت و معناداری دارد. وی در تعریف دانش مالی ذهنی تعریفی نزدیک به نگرش مالی دارد و در ارزیابی های خود به بررسی نگرش افراد درخصوص سطح دانش مالی شان پرداخته است. این یافته ها همچنین پاسخی برای این مسئله است که چرا افرادی که از سطح آگاهی و دانش مالی بالایی برخوردارند نمی توانند رفتارهای مالی مطلوبی از خود نشان دهند.

نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که دانش، نگرش و رفتارمالي در کنار یکدیگر بر سطح سوادمالی اثر معنی دار و مثبتی دارند در این میان رفتارمالي بیشترین اثرگذاری و دانش مالی کمترین اثرگذاری را به خود اختصاص داده اند. از این نتایج می توان بیان کرد که آموزش های عملی و میدانی مالی که در آن افراد از خود رفتار های مالی بروز می دهند مناسب ترین سبک آموزشی برای تقویت و افزایش سطح سوادمالی دانشجویان است و از آنجا که رفتارمالي به صورت مستقیم و غیر مستقیم با نگرش و دانش مالی در ارتباط است تقویت آن می تواند میزان اثرگذاری این دو بعد را بر سطح سوادمالی دانشجویان افزایش دهد.

نتایج آزمون خی سطح دانش و نگرش و سوادمالی دانشجویان را مطلوب اما سطح رفتارمالي آنان را نامطلوب نشان می دهد. در این خصوص موضوعی که روشن است این است که تعليمات درسی دانشگاه و ارتباط با استادی خبره توانسته است که دانش مالی

دانشجویان را در سطح مناسب قرار دهد و از طریق آن نگرش مالی را بهبود بخشدید و این دو بعد سطح سوادمالی دانشجویان را مطلوب کند اما پرسشی که اینجا وجود دارد این است که چرا با وجود ارتباط دانش و نگرش با رفتارمالی، این ارتباط نتوانسته است رفتارمالی را تقویت کند؟ دو پاسخ به این پرسش می‌توان ارائه کرد یکی این که رفتارمالی یک متغیر عملی است و برای بروز آن شرایط، زمان و امکاناتی لازم است. و پاسخ دوم اینکه آموزش‌های سوادمالی برای دانشجویان بیشتر به شکل تئوری بوده نه عملی. کریمی (۱۳۹۴) و رضایی (۱۳۹۴) بیان می‌کنند که سطح سوادمالی دانشجویان ایرانی در سطح مناسبی قرار دارد؛ رضایی در ادامه این مطلب بیان می‌کند که از عوامل موثر بر سطح سوادمالی دانشجویان رشته تحصیلی آنان است و دانشجویانی که در رشته‌های اقتصاد و نزدیک به آن تحصیل می‌کنند از سطح سوادمالی بالاتری نسبت به سایر دانشجویان برخوردارند. درخصوص این مطلب بیاید گفت که نتایج این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند ولی رشته تحصیلی دانشجویان نمی‌تواند ضامنی برای سطح بالای رفتارمالی آنان گردد.

نتایج آزمون یومن ویتنی نشان داد که جنسیت می‌تواند به عنوان یک عامل تمایز در سطح سوادمالی و دو بعد دانش و رفتارمالی دانشجویان عمل کند، هر چند این تمایز در بعد نگرش مالی دیده نمی‌شود، در این تمایز دانشجویان پسر در سطح بالاتری نسبت به دانشجویان دختر قرار دارند. نتایج تحقیقات کریمی (۱۳۹۴) و رضایی (۱۳۹۴) در داخل کشور و صبری و همکاران (۲۰۱۰) در مالزی و پتریچ و همکاران (۲۰۱۵) در برزیل نتایج این آزمون را تأیید می‌کنند. در تفسیر این نتیجه ابتدایی ترین دلیلی که به ذهن می‌آید قوانین و وضعیت جامعه باشد که که بر مبنای آن زمینه فعالیت‌های مالی به ویژه کسب و کار برای مردان بیشتر از زنان محیاست ولی این دلیل با بررسی نتایج تفاوت سوادمالی زنان و مردان در جامعی که در آن قوانین و شاریط فعالیت مالی برای پسران و دختران برابر است، مردود می‌گردد. دومین دلیل را می‌توان در اختلاف ضریب هوشی پسران و دختران دانست و این گونه نتیجه گرفت که پسران توان یادگیری بالاتری نسبت به دختران دارند این دلیل نیز با مشاهده نمرات درسی دختران و پسران مردود می‌گردد.

پس دلیل اصلی تفاوت معنی داری که در سطح سوادمالی دختران و پسران در تحقیقات نامبرده وجود دارد چیست؟ دلیل اصلی این تفاوت را می‌توان در یک عبارت کوتاه چنین بیان کرد: «تمایلات مالی متفاوت». برای نمونه دختران به دلیل اینکه ذاتاً ریسک گریز‌اند؛ تمایلی به سرمایه‌گذاری، استقراض و برخی درآمدها (تا ضرورت ایجاد نکند) ندارند بنابر این انگیزه‌ای برای یادگیری و عملکرد در این خصوص از خود نشان نمی‌دهند و از آنجا که ریسک گریزی در ذات اکثر فعالیت‌های مالی نهفته است منجر می‌گردد تا دانش و رفتارمالی کمتری نسبت به پسران داشته و در نتیجه سطح سوادمالی آنان پایین تر از پسران قرار گیرد.

نتایج آزمون کروسکال والیس برای سطح سوادمالی و ابعاد آن در میان سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نشان می‌دهد. تنها در بعد دانش مالی تفاوت معنی داری بین مقاطع تحصیلی دانشجویان وجود دارد و با بالا رفتن مقطع تحصیلی از کارشناسی به دکتری دانش مالی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد اما این افزایش نمی‌تواند تفاوت معنی داری در سطح سوادمالی دانشجویان ایجاد نماید. همچنین این نتایج بیان می‌کند که افزایش مقطع تحصیلی نه تنها نمی‌تواند منجر به بهبود و افزایش سوادمالی دانشجویان شود بلکه باید به آن به عنوان یک هزینه فرصت نگاه کرد فرصت‌های رفتارهای مالی را از دانشجویان سلب کرده و آنان را از رسیدن به موفقیت‌های مالی باز می‌دارد.

به طور کلی می‌توان گفت، دانشجویان باید برای آموختن سوادمالی سخت کوش باشند، بسیار مطالعه کنند و از آزمون و خطا نهراسند. می‌توان گفت نتیجه‌های که از اجرای سوادمالی در زندگی نصیبیان می‌گردد، نسبت بهزحمتی که برای آموختن و اجرایی کردن آن می‌کشند، ارشمندتر است. یاد گرفتن سوادمالی زندگی جوانان به ویژه دانشجویان را در دوران تحصیل دگرگون می‌کند. برخی افراد ذاتاً سوادمالی خوبی دارند و برخی نیاز به یاد گرفتن این سواد دارند. اکثر افراد به جای اینکه برای یاد گرفتن سوادمالی و عمل به آن تلاش کنند، به شدت روی کسب پول تمرکز می‌کنند. تلاش برای پول درآوردن خوب است اما اگر این سواد را نداشته باشند نمی‌توانند پولی را که بدست آورده‌اند، چه کم باشد چه زیاد، مدیریت کنند. جوانانی که این مهارت‌ها را ندارند، اغلب از نظر اقتصادی خود را در لبه پرتگاه می‌بینند. چرا که نمی‌دانند چطور هزینه کنند، نمی‌دانند چطور درآمد خود را افزایش دهند یا چطور سرمایه‌گذاری و پس‌انداز کنند.

دانشجویان باید بیاموزند که حفظ و مدیریت پول مهمتر از مقدار پولی است که بدست می‌آورند یا در دست دارند، این امر منجر به تحول بزرگی در زندگی آن‌ها خواهد شد. تحولی که به رفاه مالی و اقتصادی آنان در دوران تحصیل و پس از آن منتهی می‌شود. البته منظور این نیست که تنها عامل رفاه مالی، حفظ پول است. مسئله این جاست که تا زمانی که در حفظ پول، دانش و مهارت نداشته باشند، افزایش پول هم امکان پذیر نیست. بیشتر افرادی که ثروتمند می‌شوند دانش و مهارت سوادمالی را دارند و اکثر افرادی که یک شبه پولدار می‌شوند، به همان سرعت پول خود را از دست می‌دهند. زیرا سوادمالی ندارند.

در یک نگاه کلی باید گفت به منظور آینده‌ی روشن اقتصادی و اجتماعی در یک کشور نیاز هست تا به سوادمالی و ابعاد آن به ویژه در قشر آینده ساز دانشجویان توجه خاصی داشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سوادمالی افراد یکی از عناصر مهم در زمینه پیشرفت و ثبات اقتصادی است که باعث می‌شود افراد بتوانند تصمیمات مالی را در موقعیت‌های مهم اتخاذ کرده و اجرا نمایند. در صورتی که دانشجویان سوادمالی داشته باشند و آن را اجرایی کنند، ساختمان اقتصاد زندگی خود را مستحکم و ایمن خواهند ساخت. در غیر اینصورت، شاید با کوچک‌ترین مشکلی، ساختمان اقتصاد زندگی شان فرو ریزد. کسب ثروت، موفقیت و اتخاذ تصمیماتی آگاهانه در سایه‌ی داشتن سوادمالی محقق می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد اختلاف سطح سوادمالی افراد با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی، جزو فاکتورهای موثر بر تصمیم‌گیری‌های مالی افراد می‌باشد و رابطه مثبت و معنی داری بین سطح سوادمالی و بهبود شرایط تصمیم‌گیری مالی در میان دانشجویان وجود دارد. به همین دلیل با شناسایی سطح سوادمالی دانشجویان می‌توان با پیشنهاد راه کار مناسب در جهت ارتقاء سطح سوادمالی آنان اقدام نمود.

سطح آگاهی و جهت‌گیری دانشجویان نسبت به محیط پیرامون، معمولاً در در دو نهاد «خانواده» و «دانشگاه» تکوین می‌یابد. علاوه بر این، دو نهاد خانواده و دانشگاه از نقش بی‌بدیلی در شکل گیری مهارت‌ها و جهت‌گیری افراد نسبت به امور مالی نیز برخوردار می‌باشند. بر این اساس نهاد خانواده به عنوان نخستین دستگاهی که مراحل اجتماعی شدن را در انسان به وجود می‌آورد و نهاد دانشگاه به مثابه یکی از نهادهای مهمی که فرد، خود را در اجتماع می‌یابد، نقش موثری در یادگیری سوادمالی افراد ایفا می‌کنند. در این پژوهش نیز در راستای ارتقاء سطح سوادمالی و ابعاد آن پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود: ۱) جهت افزایش دانش مالی دانشجویان به آنان بیاموزیم هنگام تصمیم‌گیری مالی سعی کنند یک تصویر مالی جامع در ذهن خود ترسیم کنند . برای مثال، به آنان بیاموزید که رفتن به سینما فقط شامل پرداخت بهای بلیط فیلم نیست، بلکه برای این منظور شما متholm هزینه‌های دیگری از جمله هزینه تاکسی ، تنقلات و خوارکی، نوشیدنی‌ها و از همه مهم‌تر وقت و انرژی نیز می‌شوند. این کار به آنها کمک می‌کند به هنگام تصمیم‌گیری مالی آگاهانه تر عمل کنند. ۲) جهت افزایش رفتارمالی دانشجویان روش‌های صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مخارج را به آنان آموختش داده شود تا به جای قرض کردن از مبالغ صرفه‌جویی شده برای تامین و خریداری مایحتاج خود استفاده کنند. همچنین آنان را تشویق کنیم که در ایام تعطیل و اوقات فراغت به کارهای پاره وقتی و وقت جهت کسب درآمد پردازنند. توجه به موارد ذکر شده کمک می‌کند تا دانشجویان در آینده در محیط کاری خود عملکرد بهتری داشته باشند و در محیط شخصی زندگی خود نیز تصمیمات بهتری بگیرند و از امنیت رفاهی و اقتصادی بیشتری برخوردار شوند و کمتر تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و روانی قرار گیرند.

منابع

- رضایی، اصغر. (۱۳۹۴). مقایسه سواد مالی دانشجویان دانشکده تربیت بدنی با دانشکده های مختلف دانشگاه مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، چاپ نشده.
- رهاوی عزآبادی، زینب. (۱۳۹۳). سنجش سواد مالی دانشجویان و ارتباط آن با رفاه ذهنی و مالی آنها (مطالعه موردی دانشجویان استان یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر، چاپ نشده.
- رهنمای رودپشتی، فریدون و وجید زندیه (۱۳۹۱). مالی رفتاری و مالی عصبی(پارادایم نوین مالی) از تئوری تا عمل، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- کریمی میمونه، سعید. (۱۳۹۲) بررسی رابطه تجارب مصرفی دوران کودکی دانشجویان با سواد مالی آنها (مطالعه موردی: استان یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، چاپ نشده.
- کیانوش، مهسا؛ جلیلی، محمد؛ احمدی، موسی؛ حسین آبادی ساده، داود. (۱۳۹۳). میزان درک و شناخت دانشجویان از داشتن تامین مالی شخصی (تحلیل رفتار دانشجویان نسبت به داشتن تامین مالی شخصی)، مجله دانش سرمایه گذاری، ۱۲ (۳): ۴۱-۵۳.
- معین الدین، محمود؛ یعقوب نژاد، احمد؛ نیکو مرام، هاشم. (۱۳۹۰) ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادرار، ۸ (۲): ۱-۲۶.
- ممشی، محمد. (۱۳۹۲). نیازمندی برنامه درسی سواد مالی در آموزش و پژوهش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ نشده.
- موذنی ریزی، الهام. (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی دانشجویان به روش معادلات ساختاری (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه های اصفهان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد اصفهان (خوارسگان)، چاپ نشده.
- یزدانی، حمیدرضا؛ مهدی خانی، حبیب؛ احمدی، داریوش؛ عالی وندی، امین. (۱۳۹۷) تجزیه و تحلیل تاثیر عزت نفس و داشتن مالی بر رفتار مالی (مورد مطالعه: سرمایه گذاران حقیقی کارگزاری بانک اقتصاد نوین)، مجله دانش سرمایه گذاری، ۷ (۲۴): ۵۹-۷۷.
- Baumann, S. L. (2010). Balancing Life as a Nurse in Iran. *Nursing Science Quarterly*, 23(2), 164–165. <https://doi.org/10.1177/0894318410362542>.
- Chen H, Volpe R P. (2005). "Financial Literacy, Education, and Services in the Workplace", A Journal of Applied Topics in Business and Economics.
- Godwin D. (1994). Antecedents adn consequences of newlyweds's cash flow management. *Financial counseling and planning*, 5: 89-115.
- Jeanne M H, Sondra G B, Hilgert M. (2003). "Patterns of Financial Behaviors: Implications for Community Educators and Policy Makers". Federal Reserve System Community Affairs Research Conference.
- Maddox W, Todd Bradley C, Love Brian D, Glass J. (2002). "When More is Less: Feedback Effects in Perceptual Category Learning". *Cognition*, 108 (2): 578- 589.
- Mahdzan N S, Tabiani S. (2013), „The Impact of Financial Literacy on Individual Saving: an Exploratory Study in the Malaysian Context”, *Transformations in Business & Economics*, 12(1): 41-55.
- Maobao D, Qengxia Q, Wenjin X. (2011). Construction of enterprises, financial knowledge management system (EFKMS). *Procedia Environmental Sciences* 11: 1240-1244.
- Moore D. (2003). Survey of financial literacy in washington state: knowledge, behavior, attitudes, and experiences. Washington: Washington state university.
- Opletalva A. (2014). " Financial education and financial literacy in the Czech education system" , social and Behavioral Sciences: 1176-1184.
- Parrotta J, Johnson P. (1998). The impact of financial attitudes and knowledge on financial management and satisfaction of recently married individuals. *Financial Counseling and Planning*, 9(2): 12-23.
- Potrich A C, Vieira K M, Coronel D A, Filho R B. (2015). "Journal of Behaviore and Experimental Finance": 1-12.
- Sabri M F, Maurice mac Donald T , Itira – JariuhMasud K. (2010). "Credit Card Ownership among American High School Seniors", *Journal of Family and Economic Issues*, 31:151-160.
- Shockley S S. (2002). "Low wealth adults financial literacy. Money management ehabior and associates factors, including critical thinking". The Ohio State University :740.
- Subarna Bir J B R. (2014) Knowledge, Attitude and their Effect on the Recently Graduated Employees' Financial Management Practices and Satisfaction, *Economic Literature*, 12: 69-81.

- Xiao J, et al. (2006) Dissection of Swa2p/auxilin domain requirements for cochaperoning Hsp70 clathrin-uncoating activity in vivo. *Mol Biol Cell* 17(7): 3281-90.
- Zakaria R H, Jaafar N I, Marican S. (2012). Financial behavior and financial position: a structural equation modelling approach. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 11(5): 52-63.

Investigating financial knowledge, attitude and behavior in students financial literacy

Ali Haratian¹

Mohammad Piri^{2*}

Abstract

Purpose: The financial decisions made by students during the student period have a great impact on their financial situation after graduating from university. Also, the financial position of students in the university can affect their academic performance and affect their ability to complete the university course. This study sought to examine the knowledge, attitude and financial behavior in students' literacy.

Methodology: This study was descriptive-correlational. The statistical population of this study was Malayer University students in three bachelors, masters and doctoral degrees in the academic year of 2018-19, of which 415 samples were selected by staged classification method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. Data analysis was performed using SPSS software at a significance level of 0.05 using Spearman correlation tests and logistic regression, UM Man Whitney and Croscalwalis.

Findings: The results of the relationship between knowledge with financial attitude and attitude with financial behavior had a positive correlation and these dimensions have a direct effect on the level of students' financial literacy. The influence of gender was also confirmed as a factor of differentiation in the level of literacy and in the dimensions of students' knowledge and financial behavior ($P < 0.001$).

Conclusion: Based on the results, there is a positive correlation between knowledge and attitude, as well as attitude and behavior, but there was no correlation between knowledge and financial behavior. These results suggest that financial knowledge alone cannot improve students' financial behavior

Keywords: Financial Knowledge, Financial Behavior, Financial Literacy, Financial Attitude, Students

¹ Master of Business Administration, Malayer University, Malayer, Iran.

² Assistant Professor, Department of Business Management, Malayer University, Malayer, Iran (Corresponding author). m.piri@malayeru.ac.ir